

پلیس مقتدر نیاز ضروری

عباس عبدي

کوشش پلیس برای بازداشت يك خانم که فیلم آن منتشر شد، بسیاری را ناراحت کرد و به نحوه برخورد نامناسب پلیس اشاره کردند. پلیس مدعی است که حرکات دو خانم سرنشین يك خودرو، مخاطره‌آمیز بوده و به ایست پلیس توجه نکرده‌اند. هر چند پلیس اقرار می‌کند که شیوه دستگیری نامبردگان خلاف آموزه‌های پلیس بوده و مورد تایید نیست و طبق ضوابط نیز به این مساله رسیدگی خواهد شد. این یادداشت در مقام تایید و رد ادعاهای مطرح‌شده نیست. این فیلم و نمونه‌های دیگری هم که پیش‌تر منتشر شده، نشانگر چند مساله است. اول رواج استنکاف از دستور پلیس، دوم برخورد غیر حرفه‌ای پلیس با فردی است که به دستورات تن نداده و مقاومت می‌کند. نکته سوم که نتیجه ماجرا است، داوری منفي نسبت به رفتار و برخورد پلیس و تضعیف آن است. بدون تردید مقاومت در برابر پلیس نقطه ضعف محسوب می‌شود و این را باید در نظر گرفت اگر به جایی برسیم که هر کسی به خود اجازه دهد که به دستور پلیس بی‌اعتنایی کند، آن پلیس دیگر فاقد اعتبار و کارآیی خواهد بود. ریشه این رفتار کجاست؟ آیا می‌توان شرایط را به گونه‌ای متحول کرد که مقاومت در برابر پلیس بیشتر از نحوه برخورد پلیس، مذموم و محکوم تلقی شود، حتی اگر منجر به برخورد خشن شود؟ به نظر می‌رسد که چند عامل موجب این مساله شده است که باید مورد توجه قرار گیرد. پلیس در کلیت خود باید حافظ قانون باشد. پلیس در جامعه باید به صورت شفاف و با لباس فرم و تجهیزات مناسب حضور داشته باشد. پلیس مخفی و با لباس شخصی موضوعی استثنایی است و رفتارش در چارچوب کارکرد عمومی پلیس قرار نمی‌گیرد. پلیس حافظ امنیت، جان، مال و ناموس مردم است. پلیس باید آموزش دیده و از هر نظر دارای اقتدار باشد؛ چه در پوشش و ظاهر و رفتار و چه در تجهیزات. ولی در ایران چند عامل موجب اختلال در این کارکردهای پلیس شده است. اولین آنها همان بحث قانون است. پلیس را نباید درگیر اجرای قانونی کرد که مورد قبول اکثریت جامعه نیست و آن را درست نمی‌دانند. در واقع نباید چنین قانونی را تصویب و ابلاغ کرد یا اگر پیش از این بوده، باید آن را اصلاح کرده و تغییر داد.

آیا به یاد دارید که چه هزینه‌ای را پلیس در برخورد با دیش‌های

ماهواره متحمل شد؟ در نهایت هم آن قانون به ظاهر همچنان هست و گویی اعتبار دارد ولی پلیس از اجرای آن به کلی کنار کشید. آن اقدامات پلیس هم اثر پایداری در عدم استفاده از ماهواره نداشت و فقط پلیس را مستهلک کرد. ورود پلیس در برخورد با پوشش بانوان نیز از همین جنس است که موجب مقاومت در برابر دستورات آن می‌شود و مردم هم چون این ضوابط را نافی حقوق خود می‌دانند، در برابرش مقاومت می‌کنند، به ویژه آنکه بردن زنان به بازداشتگاه و امثال این برخوردها برای چنین مساله‌ای بسیار ناراحت‌کننده است. در میان افراد پلیس هستند کسانی که می‌دانند منسوبین به آنان نیز کما بیش همین گونه پوششی دارند و آنان چنین پوششی را خلاف نمی‌دانند. ولی از روی اجبار چنین برخوردهایی را با مردم دارند و این به معنای مستهلک شدن پلیس در اجرای وظایف اصلی‌اش است و باید چنین قوانینی را نسخ و اصلاح کرد یا از حوزه وظایف پلیس خارج کرد. فراموش نکنیم هر برخوردی که از سوی پلیس با زنان دیده می‌شود فوری و برحسب سابقه به این مساله ربط داده و تبلیغی علیه پلیس محسوب می‌شود.

نکته مهم دیگر وجود پلیس‌های لباس شخصی است. وجود آنان بسیار زیان‌بار است. آنان فقط در موارد خاص و مواجهه با جرایم خاص باید در میدان باشند. رواج حضور پلیس‌های فاقد لباس فرم، زمینه را فراهم کرده که مجرمین تحت نام و پوشش پلیس اقدام به اعمال مجرمانه کنند. باید مردم را در برابر ماموران لباس شخصی واکسینه و شجاع کرد تا اجازه ندهند هیچ لباس شخصی به نام پلیس آنان را بازداشت کند یا برخورد نماید. این کار باید منع قانونی پیدا کند و حتی پلیس‌های امنیتی هم پس از حضور پلیس کلانتری اجازه اقدام داشته باشند مگر در شرایط خطرناک که بحث دیگری است.

فقدان تجهیزات و آموزش و ضعف جسمانی بسیاری از پلیس‌ها و حتی ظاهر و پوشش آنان به گونه‌ای است که اقتدار کافی را در چشم شهروندان بازتاب نمی‌دهد. ضعف آموزش، هم در شناخت حقوق و تکالیف قانونی، هم در گفتار و رفتار و هم در عملیات رزمی و بازداشت‌ها، بسیار مشهود است. البته نیروهای ویژه متفاوت هستند، ولی پلیس باید در همه زمینه‌ها قوی باشد.

اگر دستگاه قضایی و پلیسی قدرتمند، مستقل و کارآمد و پاسخگو داشته باشیم، نباید نگران ناکارآمدی سایر حوزه‌ها بود. پس در اولین گام باید بارهای اضافی را از دوش پلیس برداشت. مواجهه با پوشش‌های زنان که در جامعه چندان نامتعارف نیست، وظیفه پلیس نیست. اگر همین را حل کنند آنگاه مقاومت در برابر پلیس ضد ارزش خواهد شد چه زن باشد چه مرد.

□□□□□□ *1401* □□□□□□□□ *20* □□□□□□ □□□□□□□□ :□□□□